

# نقش ابن قتیبه دینوری در گسترش علوم اسلامی قرن سوم هجری

لیلا همایون فرد<sup>۱</sup>

## چکیده

ابن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶ق)، یکی از دانشمندان و نویسندگان قرن سوم هجری است که تألیفات زیادی از خود به جای نهاده است. کثرت این نگاشته‌ها موجب توجه محققان غربی و شرقی به وی شده و نظرها و تحلیل‌های گوناگونی درباره او و آثارش ارائه گردیده است. نوشتار حاضر با روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی نقش ابن قتیبه دینوری در گسترش علوم در قرن سوم هجری پرداخته است. نتایج به دست آمده، نشان دهنده آن است که وی در گسترش محتوایی علوم هم‌چون: علوم قرآنی، شعر، لغت، کلام، فقه و تاریخ، نقش مثبتی ایفا کرده است. ابن قتیبه هرچند نتوانسته در تألیفاتش، ابداع‌کننده سبک جدید یا خالق اثری نو و خلاقانه باشد، اما مهم‌ترین خدمت علمی او به متأخرین، حفظ بسیاری از مطالب تاریخی، کلامی، لغوی و ادبی بود. او با جمع‌آوری و کتابت آن، موجب بقا و انتقال آن به آیندگان شده است.

واژگان کلیدی: ابن قتیبه دینوری، علوم اسلامی، المعارف، قرن سوم هجری.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار رشته تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)، جامعه الزهراء (علیها‌السلام)، قم، ایران: homayoon.9013@gmail.com

## مقدمه

اهمیت آیات قرآن و آموزه‌های نبوی به علم و دانش، موجب گرایش مسلمانان به علم‌آموزی و رشد و توسعه علوم شد؛ به طوری که با گذشت چند قرن، شاهد رشد چشمگیر این علوم هستیم. با آغاز نهضت ترجمه در نیمه قرن دوم هجری، تلاش مسلمانان در راستای تألیف و ترجمه، به شکلی جدی، افزایش یافت. در این قرن، نویسندگان زیادی دست به قلم شده و آثار فراوانی از خود به یادگار گذاشتند. ابن قتیبه دینوری، یکی از این دانشمندان بود که آثار متعددی تألیف کرد و توانست تا حدی در گسترش علوم اسلامی موثر باشد. بعدها برخی از پژوهشگران، تعدادی از کتاب‌های ابن قتیبه را تحقیق کرده و بر آنها مقدمه نگاشته‌اند. در مقدمه تحقیق این کتاب‌ها، زندگی و آثار ابن قتیبه بررسی شده است. به عنوان مثال می‌توان به مقدمه سید احمد صقر در کتاب تأویل مشکل القرآن، مقدمه ثروة عکاشه در المعارف و مقدمه محمد اسکندرانی در عیون الاخبار، اشاره کرد. هر کدام از این محققان، مطالبی درباره شخصیت و آثار ابن قتیبه آورده‌اند؛ هرچند بسیاری از مطالب آنها دارای اشتراک فراوان است.

در دایرة المعارف‌ها نیز مقاله‌هایی درباره ابن قتیبه آمده است. در این میان، می‌توان مقاله آذرتاش آذرنوش در دایرة المعارف بزرگ اسلامی را بهترین و مفصل‌ترین مقاله در این زمینه دانست. علاوه بر آن، مقاله بروکلیمان در دایرة المعارف اسلام، مقاله فاطمه محجوب در الموسوعة الذهبية (محجوب، بی تا، ج ۹، ص ۱) و چند کتاب مستقل نیز درباره ابن قتیبه نوشته شده است؛ از جمله: «ابن قتیبه» نوشته اسحاق موسی حسینی؛ «دراسة فی کتب ابن قتیبة» از عبدالله جبوری؛ «مع ابن قتیبة فی العقيدة الاسلامیه» به قلم کاظم حطیط و کتاب «ابن قتیبة ومقایسه البلاغیة والادبیة والنقدیة» نوشته محمد رمضان جربی. البته کتاب اخیر، بسیار ضعیف و سست است. در برخی کتاب‌های دیگر نیز از ابن قتیبه سخن به میان آمده است؛ مانند کتاب «نوابغ الفکر العربی» اثر محمد زعلول سلام و کتاب «من اعلام العلماء العرب فی القرن الثالث الهجری» نوشته احمد عبدالباقی که کتابی ضعیف و

سست است. لوکونت فرانسوی نیز کتابی درباره ابن قتیبه نوشته است. (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۶) هرچند در آثار ذکرشده، مطالب زیادی درباره ابن قتیبه و تألیفاتش بیان شده است، اما درباره نقش وی در گسترش علوم اسلامی، مطلب مستقلی یافت نشد. از این رو، نگارنده با استفاده از داده‌هایی که تا کنون درباره ابن قتیبه جمع‌آوری شده، درصدد کشف یک واحد اطلاعاتی جدید در مورد نقش وی در گسترش علوم اسلامی در قرن سوم هجری است. به عبارت دیگر، این نوشتار به دنبال این مطلب است که با وجود آثار فراوانی که ابن قتیبه در قرن سوم تألیف کرده است، آیا وی توانسته نقش مؤثر و بی‌بدیلی در تولید و گسترش علم داشته باشد یا خیر؟

### زندگی نامه ابن قتیبه دینوری

ابومحمد عبدالله بن مسلم معروف به ابن قتیبه دینوری، یکی از نویسندگان و مولفان پرتلاش قرن سوم هجری است. وی در بیشتر علوم و فنون رایج در قرن سوم، دارای اثر و تألیف است، اما با این وجود و با توجه به شهرت او در تألیف کتب متعدد، چندان اطلاعی از زندگی‌اش در دست نیست. ظاهراً وی در سال ۲۱۳ ق به دنیا آمد. حدوداً ۲۷ ساله بود که قاضی شهر دینور - در منطقه کرمانشاه کنونی - گردید و به مدت ۱۷ سال، به قضاوت و تألیف آثار متعدد مشغول بود. وی در ۴۴ سالگی به بغداد رفت و تا پایان عمر، به مدت حدود ۱۹ سال، به تدریس، تألیف و تکمیل آثار گذشته خود همت گماشت. برخی مؤلفان، تاریخ درگذشت او را ۲۷۰ ق و محل آن را کوفه می‌دانند. (آذرنوش، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۵)

درباره شخصیت وی، اظهار نظرهای متفاوتی مطرح شده است. برخی همانند ابن ندیم او را ستایش کرده و درباره او می‌گویند: ... او به لغت، نحو، غریب قرآن، معانی قرآن، شعر و فقه آگاه بوده و در آنچه روایت کرده، راستگو است (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۱۰۵). همچنین خطیب بغدادی او را صاحب تصانیف مشهور و کتاب‌های معروف و ثقه، متدین و فاضل معرفی کرده است. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۴۱۱)

در مقابل، بعضی او را به دروغ‌گویی و سرقت علمی متهم کرده‌اند؛ از جمله ابن حجر عسقلانی می‌گوید: حاکم گفته است که امت اسلامی بر دروغ‌گوبودن قتیبی (ابن قتیبه) اجماع دارند. (ابن حجر، ۱۳۳۰، ج ۳، ص ۳۵۸) مسعودی نیز او را متهم به سرقت علمی کرده و درباره او می‌نویسد: ابن قتیبه مطلب ابوحنیفه را از کتاب الانواء ربوده و به کتاب خویش برده و به خویشان نسبت داده و در مورد بسیاری از کتاب‌های ابوحنیفه دینوری چنین کرده است. (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۶۸)

### مذهب و گرایش‌های عقیدتی ابن قتیبه

مجموع تمام کارهای مذهبی، سیاسی و ادبی ابن قتیبه، او را نماینده و سخنگوی انحصاری اهل سنت و جماعت نشان می‌دهد. وی مانند احمد بن حنبل، به معانی حدیث، تمایل داشته و پیرو سلف بوده است. ذهبی، تاریخ‌نگار مشهور، در میزان الاعتدال به نقل از علی بن عمر (۳۸۵ق) می‌نویسد: «او به تشبیه میل دارد و حرف‌هایش دلیل بر این مطلب است». بیهقی می‌گوید: «او کرامی مذهب است». زکی عدوی نیز در مقدمه خود بر عیون الاخبار، دیدگاه ابن تیمیه، فقیه حنبلی (۷۲۹ق) را می‌آورد. بر این اساس، ابن تیمیه او را از پیروان احمد بن حنبل دانسته و گفته است: موقعیت ابن قتیبه در میان اهل سنت همانند موقعیت جاحظ در میان معتزله است. (سالاری، ۱۳۸۲، ص ۵۱)

منتقدان غربی اغلب مایلند از کارهای عقیدتی ابن قتیبه چشم‌پوشی کنند و از عقیده مذهبی وی حرفی نزنند. به نظر می‌رسد که ابن قتیبه استعداد ادبی خویش را به طور آشکار در خدمت اصلاح مذهب سنی قرار داد که متوکل و همدستانش آن را بر عهده گرفته بودند. این موضوع به این معناست که تعدادی از آثارش به قصد شرح دکترین سیاسی-مذهبی تألیف شده باشد که ما انتظار داریم در خط و ایدئولوژی سنی باشد که نماینده شاخص آن احمد بن حنبل و اسحق بن راهویه بودند. با وجود این، ابن قتیبه که به اعتقاد خودش در جوانی با اندیشه‌های به ظاهر خردگرای متداول اغوا شده بود، در

پاره‌ای اوقات در معرض ناسازگاری با جزمی‌گرایان حامی سنت بود. (عباسی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶) با این وجود، برخی از نویسندگان خواسته‌اند او را منتسب به تشیع نمایند، اما دلایل متقن و مستندات قابل قبولی ارائه نکرده‌اند. (مولایی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳-۱۴۳)

### استادان و شاگردان

افرادی که نام آنها در منابع به عنوان استاد ابن قتیبه ذکر شده، بسیار متعددند. برخی مانند عکاشه، نام ۲۶ نفر را ذکر کرده و آنها را استادان وی می‌دانند. به گفته عکاشه، ابوحاتم سجستانی (۲۴۸ق)، ریاشی (۲۵۷ق)، محمد بن سلام جمحی (۲۳۱ق)، جاحظ و ابو عبدالله حمدانی (۲۴۹ق)، بعضی از مشایخ و اساتید مهم وی بوده‌اند. (عکاشه، ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۳۶-۳۸) همچنین وی شاگردان و راویان زیادی داشت که از مهم‌ترین آنها می‌توان پسر او احمد، عبدالله بن عبدالرحمن السکری (۳۲۳ق)، ابراهیم بن محمد بن ایوب الصائغ (۳۱۳ق) و عبدالله بن احمد بن بکیر التمیمی (۳۲۴ق) را نام برد که از او نقل روایت کرده‌اند. (آذرنوش، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۵)

### علوم مورد توجه ابن قتیبه

با توجه به آثاری که ابن ندیم در کتاب الفهرست خود از ابن قتیبه نام برده، می‌توان نتیجه گرفت که علوم مورد علاقه ابن قتیبه گستره‌ای شامل علوم قرآنی، شعر، ادبیات، لغت، نحو، فقه، تاریخ، کلام، ستاره‌شناسی و نجوم را در بر می‌گیرد. در این میان، کتاب‌هایی همچون: ادب الکاتب، معانی الشعر، المعارف، الاختلاف فی اللفظ و الرد علی الجهمیه و المشبهه، الشعر و الشعراء، الانواء، تأویل مختلف الحدیث، تأویل مشکل القرآن و کتاب عیون الاخبار (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۱۳۱) از آن جمله‌اند.

بنا بر نظر لوکنت، علاوه بر آنچه ابن ندیم نام می‌برد، کتاب‌های: الاشریه، تفسیر غریب القرآن، المیسر و القداح، کتاب العرب، المسائل والاجوبه و غریب الحدیث نیز متعلق به

ابن قتیبه بوده و موجود است. همچنین آثاری همچون: اعراب القرآن، تعبیر الرؤیا، دلائل النبوة، کتاب الفقه یا جامع الفقه، کتاب القراءات، کتاب النحو یا جامع النحو الكبير، آلات الكتاب، التفسیر، عیون الشعر و صناعة الكتابة، هرچند در دسترس نیست اما منتسب به اوست. (همان، ص ۴۵۲)

لوکنت با ارائه مستندات توانسته است برای تألیفات ابن قتیبه زمان بندی مطرح کند. فایده‌ای که از این ترتیب حاصل می‌شود، آن است که اشتغال فکری - عملی ابن قتیبه را در مراحل گوناگون به وضوح تمام آشکار می‌سازد؛ بر این اساس، آغاز فعالیت علمی او با علوم قرآنی و حدیث بوده و پس از آن، به لغت و نحو، شعر و ادب، تاریخ و در نهایت، علم کلام، پرداخته است. (همان)

در ادامه، با توجه به تفکیک موضوعی تألیفات ابن قتیبه، سعی می‌شود علوم مورد توجه او مورد نقد و بررسی قرار گیرد و مشخص شود آیا او توانسته است با نگاشته‌های خود، در گسترش و توسعه علوم اسلامی در قرن سوم تأثیرگذار باشد یا خیر؟

## شعر

شهرت ابن قتیبه در درجه نخست، به شعر و ادب است. هرچند که او حتی یک بیت نسرود، اما احساس و درک او در شعر، چه از جنبه هنری و چه از جنبه فنی، در تاریخ ادبیات عرب، کم‌نظیر است. عمده‌ترین اثر وی در شعر، الشعر و الشعرا و مقدمه زیبای آن است. این کتاب، شامل ۲۰۶ شرح حال از شاعران جاهلی و اسلامی است که به شیوه قدما تدوین شده است، یعنی هر شرح حال، تنها چند روایت و خبر و چند قطعه شعر در بر دارد. شعرا در آن به ترتیب خاصی طبقه‌بندی نشده‌اند، هرچند که تا حدی ترتیب زمانی در نظر گرفته شده است. آنچه بر اعتبار و اهمیت این کتاب افزوده است آنکه در واقع، مقدمه‌ای در فن شعر به شمار می‌رود. (ابن قتیبه، ۱۳۶۳، ص ۵۱)

از آغاز قرن، سوم، بسیاری از دانشمندان، تحت تأثیر آثار ارسطو و شاید هم به دنبال

اختلاف قبایل، به موضوع طبقه‌بندی در همه دانش‌ها و از جمله در شعر و شاعری اقبال تمام داشتند؛ چنان‌که الشعر و الشعراء ابن قتیبه، دیگر اثری نوظهور به شمار نمی‌آمد و مفضلیات، اصمعیات، حماسه ابوتمام و طبقات الشعراء ابن سلام، همه پیش از او تدوین شده بود. البته خود کتاب را می‌توان مجموعه‌ای نسبتاً کامل و مفید خواند، اما نکات عمده‌ای اضافه‌تر بر آثار گذشتگان ندارد؛ به‌ویژه که همگان، از منابع مشترک و بسیار گسترده و پراکنده برگرفته از روایان شعر بهره می‌گرفتند. اما آنچه در اثر ابن قتیبه، استثنایی و تا حدی جدید و خلاقانه است، همان مقدمه کتاب است که سرشار از ملاحظات دقیق و اظهار نظرهای عالمانه است که در ادبیات کهن عرب، نظیر ندارد. نحوه برداشت هوشمندانه مؤلف در این مقدمه با روش تقلیدی او در اصل آن کتاب، به‌گونه‌ای است که گودفروا آن را با مقدمه ابن خلدون و اصل تاریخ او مقایسه کرده است. (همان)

کتاب دیگر او، معانی الشعر، یا کتاب معانی الشعر الکبیر است که شامل این فصل‌ها است: السباع، الخیل، الطعام و الضیافة، الذباب و غیره، الوعید و البیان، الحرب، المیسر، الشعر و الشعراء، التطیر و الفأل، الاثار، المراثی، الشیب و الکبر، الاداب و مکارم الاخلاق (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۸۵). مؤلف در هر باب، نخست شعری می‌آورد و آن‌گاه به توضیح واژگان و کلمات غریب و مشکل آن می‌پردازد.

ابن قتیبه نخستین کسی نبود که دست به تدوین معانی الشعر زد. در سده‌های سوم و چهارم هجری، حدود هفت کتاب دیگر در همین زمینه نگاشته شده بود که هم اکنون بیشتر آنها موجود نیست و از باقی‌مانده‌ها نیز تنها اثر اشناندانی و ابن قتیبه به چاپ رسیده‌اند (آذرنوش، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۳۳). لذا می‌توان گفت ابن قتیبه در این حوزه، دو فعالیت متفاوت از دیگران ارائه کرده است: یکی در بیان برخی نظرات در مقدمه کتاب الشعر و الشعراء و دیگری بیان الفاظ غریب شعری و معانی آن در معانی الشعر؛ هرچند سبکی جدید یا نوآوری خاصی ارائه نکرده است.

## ادب و اخلاق

آنچه هم اکنون به نام ادب می‌نامیم، نزد ابن‌قتیبه جایگاهی بس وسیع دارد. او که خود یکی از شاخص‌ترین نمایندگان ادب عربی است، به این امر اشاره کرده و میان متخصص و ادیب، تفاوت قائل شده است: «اگر سر آن داری که عالم گردی، در یک رشته از علم مطالعه کن و اگر می‌خواهی ادیب گردی، از هر چیز، بهترین آن را فراگیر». (ابن‌قتیبه، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۱۲۹) وی در این راستا، کتابی با عنوان عیون الاخبار تألیف کرد. این اثر، بخش‌ها یا «کتاب‌های» ده‌گانه دارد که عبارتند از: کتاب السلطان، کتاب الحرب، کتاب السؤدد، کتاب الطبائع الاخلاق المذمومة، کتاب العلم و البیان، کتاب الزهد، کتاب الاخوان، کتاب الحوائج، کتاب الطعام و کتاب النساء. او هدف خود از نگاشتن این کتاب را چنین ذکر کرده: «کتاب عیون الاخبار را از آن رو پرداختم که ادب‌نآموخته را روشن‌نگر شود، اهل علم را تذکار باشد، رئیسان، کارگزاران و مرئوسان را ادب آموزد و پادشاهان را پس از رنج و خستگی، آرامش آورد». وی همچنین درباره آن می‌گوید: «من صواب ندیدم که این کتاب را وقف دنیاجوی کنم و آخرت طلب را بی‌بهره گذارم یا وقف خواص کنم و عامه را فرو نهم یا آن را به پادشاهان اختصاص دهم و مردم کوی و بازار را فراموش کنم. از این رو، هر گروه را سهمی مقرر کردم...». (همان) ابن‌قتیبه با نوشتن این کتاب به خوبی نشان داده که به اوضاع اجتماعی پیرامون خود توجه داشته و مباحث اخلاقی برای او دارای اهمیت است.

## لغت

ادب الکاتب یا ادب الکتّاب، یکی از آثار لغوی دینوری است. این کتاب علاوه بر مقدمه، دارای ۴ بخش است: «کتاب المعرفة» به شرح و توضیح کلمات و اصطلاحات مشکل پرداخته است؛ «کتاب تقویم الید» به نحوه نگارش و املا عنایت دارد؛ «کتاب تقویم اللسان» به قرائت و تلفظ صحیح کلمات و ترکیبات اختصاص دارد و «کتاب الابنیة» به اشتقاق فعل و اسم پرداخته است.



بر این کتاب شروحي مختلفي همچون شرح ادب الکاتب جوالیقی و کتاب الاقتضاب فی شرح ادب الکتاب، از بطلیوسی نوشته شده است. (ابن قتیبه، بی تا، ج ۱، ص ۲۳)

کتاب دیگر ابن قتیبه در زمینه لغت، المسائل و الاجوبه نام دارد. این اثر به طور کلی شامل پاسخ های ابن قتیبه به سؤال هایی است که در زمینه لغت و حدیث از او شده است. (همان، ص ۲۹)

وجود کتابی در قالب پرسش و پاسخ در باب لغت نیز می تواند دلیل خوبی بر تخصص ابن قتیبه در این حوزه باشد؛ زیرا معمولاً سؤالات تخصصی، از اهل فن یک علم پرسیده می شود.

## علوم قرآنی

دو کتاب تأویل مشکل القرآن و تفسیر غریب القرآن، دو اثر دینوری در حوزه علوم قرآنی است. کتاب تفسیر غریب القرآن، احتمالاً همان کتاب معانی القرآن است که در برخی منابع آمده است، هرچند که برخی، آن را کتاب مستقلی فرض کرده اند (صقر، ۱۹۵۴، مقدمه).

این کتاب که درباره اشتقاق اسماء و صفات خداوند، شرح معروف ترین واژگان قرآنی و سپس بررسی الفاظ مشکل و غریب قرآن است، در واقع تکمله کتاب تأویل مشکل القرآن به شمار می رود. (ابن قتیبه، ۱۴۰۸، ص ۳)

بدین ترتیب ملاحظه می شود که نویسنده، ضمن تفکیک دو موضوع «غریب» و «مشکل»، آنها را در دو کتاب نسبتاً مفصل آورده که این امر، به دلیل دقت و تخصص او در این حوزه است.

## نحو

در میان پژوهشگران معاصر مانند فلوجل و بروکلیمان چنین معمول است که وی را نحودانی بزرگ و مؤسس مکتب بغداد به شمار آورند. این نظر از آنجا نشأت گرفته است که ابن ندیم گوید: «وی سخت به مکتب بصری ها تمایل داشت، اما آن مکتب و مکتب کوفیان را به

هم می‌آمیخت». در واقع نخستین کسی که به آثار او در نحو اشاره کرده، ابن ندیم است که کتاب‌های جامع النحو و جامع النحو الصغیر را به وی نسبت داده است. (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۸۵)

با آنکه نام این دو کتاب در همه منابع بعدی تکرار شده، اما از آن کتاب‌ها نه اثری بر جای مانده و نه کسی چیزی از آنها بیان کرده است. از سوی دیگر، ملاحظه می‌شود که در منابع متقدم، کسی او را به صراحت، «نحوی» نخوانده است و بیشتر به عباراتی عام، همچون «مردی فاضل در لغت و نحو و شعر» بسنده کرده‌اند. تنها از ابن خلکان به بعد است که لقب نحوی بر القاب او اضافه می‌شود. شکی نیست که وی در این باب نیز تبحری خاص داشته است، هرچند مورد انتقاد برخی نحویون هم قرار گرفته است. (حسینی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۸۲-۸۳)

## تاریخ

مهم‌ترین کتاب تاریخی ابن قتیبه، المعارف است. کتاب المعارف در واقع یک دایرةالمعارف تاریخی در عصر خود به شمار می‌رود و ابن قتیبه در آن، از سرگذشت رجال قرن اول تا نیمه اول قرن سوم هجری سخن آورده است که هر کدام به نحوی در حیات سیاسی و علمی آن ایام مؤثر بوده‌اند.

این کتاب را ابن قتیبه، مجموعه معارفی می‌داند که هیچ انسان فرهنگ‌یافته‌ای را از آن گریزی نیست. فهرستی کلی از کتاب، دایره این اطلاعات را به خوبی نشان می‌دهد. او مباحث را از ابتدای خلقت شروع می‌کند و به ترتیب، انبیاء الهی را نام برده و سپس به عدد و تاریخ آنها اشاره می‌نماید. وی غالباً این مطالب را به نقل از وهب بن منبه می‌آورد. پس از آن به انساب العرب پرداخته و نسب‌هایی که به نظرش اهمیت بیشتری داشتند از جمله: عدنان، قریش، اوس و خزرج و... را بیان می‌کند. او در ادامه به شرح حال پیامبر ﷺ و صحابه می‌پردازد و خلفای اموی و عباسی، مشاهیر دولت، تابعین، اصحاب رأی، اصحاب حدیث، قزاق، نسب‌شناسان و راویان شعر را نام می‌برد. (ابن قتیبه، ۱۹۶۰، ص ۱)

وی اشاره ای به برخی از اوائل، مساجد مهم، بعضی مشاغل و صناعات اشراف و بزرگان و حتی بعضی خصوصیات ظاهری افراد دارد. در نهایت اشاره ای به ادیان و ایام و روزگاران عرب در جاهلیت داشته و مختصراً به مباحث فرقه‌ها نیز اشاره می‌نماید. به نظر می‌رسد او با نوشتن این کتاب توانسته اطلاعات تاریخی - اجتماعی مهمی را حفظ و در اختیار آیندگان قرار دهد.

کتاب عیون الاخبار علاوه بر مباحث ادبی و اخلاقی، مشتمل بر مطالب تاریخی زیادی است که می‌تواند این کتاب را در این دسته بندی قرار دهد. از جمله داستان اختلاف ابومسلم و ابوجعفر (همان، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۲۶) و یا برای شناسایی روحیه حجاج و نحوه رفتار عاملین او (همان، ص ۱۶) و نامه امام علی علیه السلام به ابن عباس هنگامی که اموال بصره را برده بود (همان، ص ۵۷) و گردن زدن اسیران توسط حجاج (همان، ص ۱۰۳) و... که مشتمل بر متون تاریخی است.

این کتاب تاریخی ابن قتیبه، در مقایسه با آثار تاریخ‌نگاران قرن سوم، دارای امتیاز مهمی است و آن اینکه وی معمولاً از کتاب‌هایی که نقل قول نموده یا مطلبی اخذ کرده، به صراحت نام برده که این مسئله، نکته‌ای حائز اهمیت است.

منابع کتبی مورد استفاده ابن قتیبه، اغلب منابع و کتب غیر اسلامی است؛ مانند کتاب‌های ایرانیان، هندیان و رومیان که احتمالاً ابن قتیبه ترجمه آنها را در اختیار داشته است. او از کتاب التاج، کتاب آیین، کتاب آداب، کتاب سیر العجم و از نامه‌های خسرو پرویز به پسرش، به دفعات نقل قول و از بعضی کتاب‌های هند و روم نیز روایت کرده است. (همان، ص ۵)

الامامه و السیاسه، کتاب تاریخی دیگری است که به ابن قتیبه منسوب است؛ هرچند برخی بنا به دلایلی، این انتساب را نمی‌پذیرند، اما عده‌ای هم معتقدند دلایل عدم انتساب، کافی نیست و کتاب، متعلق به او می‌باشد. (مولایی نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳) بروکلمان می‌گوید: کتاب الامامه و السیاسه را به ابن قتیبه نسبت داده‌اند؛ درحالی‌که دی‌گوی می‌گوید: کتاب

الامامه و السياسة، در مصر یا در مغرب و در زمان ابن قتیبه نگاشته شده است و قسمتی از آن کتاب، از تاریخ ابن حبیب اخذ شده است. در دایره المعارف الاسلامیه نیز آمده است: این کتاب را به ابن قتیبه نسبت داده‌اند، درحالی که دی گوی ترجیح می‌دهد که مصنف آن، مؤلفی مصری یا مغربی و هم‌زمان با ابن قتیبه بوده است. دایرة المعارف بزرگ اسلامی در فهرست تصانیف ابن قتیبه چنین می‌نویسد: کتاب‌هایی که انتساب شان به ابن قتیبه قطعاً یا به احتمال قوی مردود است، شامل: الالفاظ المغربیة بالالقاب المعربة، که نسخه‌ای از آن در جامعه القرویین فاس موجود است، و الامامة و السياسة که بارها به چاپ رسیده است. (آذرنوش، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۵۹)

آیت‌الله محمد مهدی خرسان نیز مقاله‌ای درباره انتساب کتاب الامامه به ابن قتیبه نوشته و با ردّ دلایل مستشرقان و استشهداد به قول نویسندگانی از متقدمین و متأخرین، صحت انتساب کتاب را پذیرفته است. (خرسان، ۱۳۹۱، ص ۵۹-۷۰)

شاید آنچه موضوع انتساب این کتاب به ابن قتیبه را تضعیف می‌کند، آن است که در این کتاب، برخی اطلاعات تاریخی وجود دارد که معمولاً در کتب اهل سنت ذکر نمی‌شود. از جمله اشاره نویسنده به ماجرای سقیفه و برخی از حوادث بیعت گرفتن ابوبکر از حضرت علی علیه السلام و نیز ماجرای بیعت حضرت زهرا علیها السلام. (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸) البته نویسنده به صورت مختصر و بدون پرداختن به جزئیات حوادث، آنها را نقل کرده و در بیان پاره‌ای از وقایع تاریخی، راه احتیاط پیموده است و چنان‌که باید، آنها را به تصویر نکشیده است، اما وجود این اخبار در یک کتاب تاریخی قرن سوم و از یک نویسنده سنی مذهب، ارزشمند و قابل توجه است. با این وجود، تأثیر باورهای کلامی و عقیدتی نویسنده در ذکر برخی از وقایع تاریخی بی‌تأثیر نبوده است؛ به‌گونه‌ای که وی برخی از حوادث مهم تاریخ اسلام، که با اخبار متواتر و مستفیض، در منابع ذکر شده را نیاورده است. از جمله اینکه در باب نص ولایت امیرالمؤمنین و حوادث پیرامون آن همچون غدیر خم، ماجرای قلم و دوات و ... هیچ مطلبی را بیان نکرده است.

با این وجود، این کتاب، که یکی از منابع تاریخی قرن سوم محسوب می‌شود، حاوی اطلاعات تاریخی خوبی است که نویسنده با نگارش آن توانسته خدمت ارزنده‌ای به علم تاریخ نماید. هرچند گزاره‌های مورد استفاده از این کتاب، همانند دیگر گزاره‌های تاریخی، باید اعتبارسنجی شده و از صحت و سقم آن اطمینان حاصل گردد. آقای محمد نوری در مقاله کتاب امامت و سیاست نظرات و داوری‌ها در انتساب این کتاب به ابن قتیبه را بصورت مشروح آورده است. (نوری، ۱۳۷۹، ص ۷۵)

### فقه

کتاب *المیسر و القداح*، تک‌نگاشته‌ای است شامل اخبار و روایات درباره میسر و قداح و انواع این قمار که در عصر جاهلی مشهور بوده است. این کتاب درحالی‌که از لحاظ لغتی، به اصطلاحات میسر پرداخته، اما از جنبه دینی یا حلّیت و حرمت و زیان آن نیز فروگذار شده است. کتاب دیگر فقهی، *الاشربة* است که موضوع اصلی آن را حرمت خمر و نیز حرمت یا حلّیت نبیذ تشکیل می‌دهد. این کتاب، یک اثر فقهی به شمار می‌آید که در آن، استشهاد به آیات قرآنی و احادیث نبوی و اقوال گوناگون فقهای بزرگ، فراوان است. (آذرنوش، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۳۳) وجود این تک‌نگاری‌ها به نوعی حاکی از توجه نویسنده به مباحث فقهی مورد نیاز مردم خویش است.

### کلام

کتاب *الاختلاف فی اللفظ و الیزد علی الجهمیة و المشبهة* (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۱۳۱) یکی از آثار کلامی ابن قتیبه محسوب می‌شود. وی موضوع‌هایی همچون: قدر، تشبیه، خلق قرآن، رؤیت خداوند و عرش الهی را در این کتاب مطرح کرده و به بررسی احادیث مختلف در این باب پرداخته است. هرچند انبوهی از اطلاعات موجود در کتاب تأویل مختلف الحدیث و حتی بسیاری از عبارات آن، عیناً در این کتاب تکرار شده است، (ابن قتیبه، ۱۳۹۳، ص ۲۳) اما

اهتمام نویسنده به تألیف کتابی با عنوان «ردّیه» دلالت بر حضور او در عرصه کلامی دارد.

## نجوم

کتاب *الانواء*، کتابی است که منازل بیست و هشت گانه قمر، نام یک یک ستارگان، بحث‌های لغوی درباره آن نام‌ها، شعرهای مربوط به هریک، گاه‌شماری نزد اعراب، باد و جهت یابی و... را آورده است.

برخی همچون مسعودی چنین می‌پندارند که ابن قتیبه، کتاب *انواء ابوحنیفه دینوری* را گرفته و به نام خود آورده است. (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۶۸) البته ممکن است آن دو، از منابع مشترکی استفاده کرده باشند و علت مشابهت مطالب کتاب، مربوط به این مسئله باشد، اما صرف نظر کردن از کلام مورخ مشهور و بنامی همچون مسعودی نیز به راحتی ممکن نیست و این مطلب، جای نقد و بررسی دقیق‌تری دارد.

## نتیجه‌گیری

با بررسی کتب منسوب به ابن قتیبه دینوری مشخص می‌شود که وی در حوزه‌های مختلف علمی حضور داشته و دست به قلم برده است. با وجود نقدهای مختلفی که به آثار ابن قتیبه صورت گرفته (برداشتن کتاب‌های دیگران، عامه‌پسند بودن تألیفات و...) اما واقعیت آن است که او در برخی علوم، تأثیرات مثبتی داشته است. از جمله، وی در شعر، نظرات دقیقی ابراز نموده که برای این علم، مؤثر بوده است. همچنین با نگاشتن کتاب *المعارف* توانسته یکی از دایره‌المعارف‌نویسان متقدم باشد. او در حوزه علوم قرآنی و لغت نیز با مشخص کردن معانی الفاظ مشکل و تفسیر آیات غریب، به نوعی به توسعه و گسترش محتوایی این علوم کمک کرده است. وی هرچند نتوانسته در تألیفاتش ابداع‌کننده سبک جدید یا خالق اثری نو و خلاقانه باشد، اما یکی از مهم‌ترین خدمات علمی را به متأخرین خود ارائه نموده و آن، حفظ بسیاری از مطالب تاریخی، کلامی، لغوی و ادبی است که با

جمع‌آوری و کتابت آن، موجب بقای آنها شده است. همچنین با توجه به گرایش‌های مذهبی و عقیدتی دینوری، ذکر برخی از حوادث تاریخی و وقایع صدر اسلام در آثار او، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در پایان، لازم به ذکر است، بررسی نقش دانشمندان قرون نخستین در تولید علوم اسلامی و نقش‌آفرینی آنها در توسعه و گسترش علم، از مباحث مهمی است که مؤلفان معاصر باید مورد توجه قرار دهند. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقمند، ضمن مطالعه و بررسی آثار مورخان شیعه و اهل تسنن قرون اولیه، نقش آنها را در تولید علوم اسلامی - انسانی و توسعه آن، مورد واکاوی قرار دهند و با بهره‌گیری از روش‌های مفید آنان و الگوبرداری از شیوه‌های مؤثر علمای سلف، گام مثبتی در تثبیت و یا پیشرفت علوم اسلامی بردارند.

## فهرست منابع

### الف) کتاب

۱. ابن قتیبه دینوری، عبدالله، ۱۳۴۹ق، *عیون الاخبار، تحقیق: زکی عدوی*، قاهره: دار الکتب.
۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳ش، *مقدمة الشعر والشعرا*، ترجمه: آذرتاش آذرنوش، تهران: امیر کبیر.
۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۳ق، *مختلف الحديث*، بیروت: دار الجیل.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۸ق، *غریب الحديث*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۰ق، *الإمامة والسیاسة*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الأضواء.
۶. \_\_\_\_\_، ۱۹۹۲م، *المعارف*، تحقیق: ثروت عکاشه، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۷. \_\_\_\_\_، بی تا، *تأویل مشکل القرآن*، تحقیق: سید احمد صقر، بی جا: المكتبة العلمیه.
۸. عسقلانی، ابن حجر، ۱۳۳۰ق، *لسان المیزان*، بی جا: بی نا.
۹. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۶۶ش، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق: محمدرضا تجدد، تهران: امیر کبیر.
۱۰. آذرنوش آذرتاش، ۱۳۷۲ش، «ابن قتیبه»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: سیدکاظم بجنوردی، تهران: انتشارات دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۱. حسینی، اسحاق موسی، ۱۴۰۰ق، *ابن قتیبه*، ترجمه: هاشم یاغی، بیروت، بی نا.
۱۲. خراسان، محمد مهدی، ۱۳۹۱ش، *کتاب شیعه*، قم: موسسه کتاب شناسی شیعه.
۱۳. خطیب بغدادی، ابی بکر احمد بن علی، ۱۴۲۲ق، *تاریخ بغداد*، تحقیق: بشار عؤاد معروف، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۴. صقر، سید احمد، ۱۹۵۴م، *مقدمه بر تأویل مشکل القرآن*، بی جا: مکتبه ابن قتیبه.
۱۵. محجوب، فاطمه، بی تا، *الموسوعة الذهبیه للعلوم الاسلامیه*، قاهره: دار الغد العربی.
۱۶. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۷۴ش، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

### ب) مقاله

۱. احمدی، محمد قاسم، ۱۳۸۶ش، «بررسی تطبیقی شخصیت و آثار ابن قتیبه دینوری و ابوحنیفه دینوری»، *تاریخ درآییننه پژوهش*، ش ۱۵، ص ۵-۲۵.
۲. ذکاوتی، علیرضا، ۱۳۷۳ش، «سیری در عیون ابن قتیبه دینوری»، *معارف*، ش ۳۳، ص ۷۷-۹۵.
۳. سالاری، شادی، ۱۳۸۲ش، «شخصیت و آثار ابن قتیبه دینوری»، *ماهنامه تاریخ اسلام*، ش ۱۵، ص ۴۹-۷۸.
۴. عباسی، علی اکبر، ۱۳۸۵ش، «ابن قتیبه»، *تاریخ اسلام*، ش ۲۵، ص ۱۶۵-۱۷۶.
۵. مولایی نیا، عزت الله، ۱۳۹۱ش، «بررسی ادعای تشیع ابن قتیبه دینوری»، *تاریخ درآییننه پژوهش*، ش ۳۲، ص ۱۲۳-۱۴۳.
۶. نوری، محمد، ۱۳۷۹ش، «کتاب امامت و سیاست»، *فصلنامه کتاب های اسلامی*، ۷۵-۹۴.